

هدیٲ از نگاه قرآن

استاد مسعود تاج آبادی

جلسهٲ اول - ۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سر فصل‌های مبحث مهدویت از نگاه قرآن

- تحقق عصر مهدویت و پیش‌بینی پایان تاریخ

امروزه یکی از مباحث آینده‌پژوهی در جوامع بشری این است که تاریخ بشر چگونه پایان می‌پذیرد؟ آیا با خوبی، نورانیت، عدالت و تقوا جامعه بشری پایان می‌پذیرد؛ یا اینکه با تاریکی، ظلم، پلیدی و گناه پایان می‌پذیرد و یا این که با آمیخته‌ای از ظلمت و نورانیت و حق و باطل همانگونه که تا اکنون بوده، پایان می‌پذیرد؟

- شاخصه‌های طبیعت، انسان و جامعه اسلامی پیش از ظهور

پیش از ظهور جهان طبیعت چه ویژگی‌هایی دارد؟ انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ جامعه اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟ که البته به تبع، وضعیت جوامع بشری نیز مشخص می‌شود.

- شاخصه‌ها و تحولات طبیعت، انسان و جامعه انسانی در عصر ظهور

در عصر مهدویت، طبیعت، انسان و جامعه انسانی چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی پیدا می‌کنند؟

- نسبت عصر مهدوی با گذشته و آینده

بر اساس آموزه‌های قرآنی و دینی دوره‌ای به نام پیش از مهدویت داریم که چند هزار سال است شروع شده است و اگر بخواهیم از آغاز اسلام در نظر بگیریم هزار و چهارصد سال است که آغاز گشته و بعد از آن به عصر مهدویت و سپس به عصر رجعت و قیامت می‌رسیم. سخن در این است که عصر مهدویت با این شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که دارد آیا یک پیوند تکوینی با عصر قبل و بعد از خود که جهان آخرت است دارد یا نه؟ به سخن دیگر اینکه آیا عصر مهدویت یک پدیده صرف و یک اتفاق است، یا یک حلقه از حلقات پیوسته حرکت جهان است؟

- بنیادی‌ترین تحولی که در عصر مهدویت رخ می‌دهد

یعنی پایه‌ای‌ترین تحول از نظر قرآن کریم چه تحولی است که بقیه تحول‌ها از فروع آن یا از لوازم آن هستند؟

- تفسیر و خوانش امام عصر از قرآن و سنت

آیا همانطور که در برخی از روایات یا اقوال وجود دارد، حضرت ولیعصر یک دین جدید و مجموعه آموزه‌های جدیدی ارائه می‌کنند؟ تفاوت خوانش و تفسیر حضرت از قرآن و سنت با تفسیر دیگران در چیست؟

• سیره عملی و حکومتی حضرت

آیا حکومت و سیره عملی حضرت متفاوت با انبیای گذشته است؟ آیا متفاوت با وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام و امیرالمومنین است؟^۱ بنابراین باید یک نسبت سنجی بین سیره حکمرانی حضرت با پیامبر بزرگوار اسلام یا با امیرالمومنین یا با انبیای گذشته بشود.

• فرجام عصر مهدوی

یعنی اگر عصر مهدوی تحقق پیدا کرد، بعد از عصر مهدویت آیا باز هم انحرافی در پیش داریم یا نه؟ آیا بعد از اینکه عقل و ایمان و تقوا در جامعه بشری حاکم شد، بشر دوباره به سمت انحراف می‌رود یا اینکه این هدایت و این نور و این ایمان ادامه پیدا می‌کند تا اینکه به عصر رجعت و قیامت می‌رسد؟

• راز و فلسفه مهدویت

منظور مبانی نظریه مهدویت است. مهدویت بر کدام مبانی نظری خدا شناسی، انسان شناسی و جهان شناسی استوار است؟ مولفه‌های نظری و فکری مهدویت از نظر قرآن چیست؟

• باور به مهدویت و چالش‌های آن

باور به مهدویت به چه معنا است و با چه آفت‌ها چالش‌هایی روبرو است؟

• عصر انتظار و جایگاه آن در نظام تربیتی قرآن و چالش‌های انتظار

• مسئله مهدویت در ادیان توحیدی و مکاتب بشری است^۲

آیا در غیر از دین اسلام، اعتقاد به مهدویت در دیگر ادیان توحیدی مثل یهودیت، مسیحیت و زرتشت و در مکاتب بشری مثل مکاتب بشری چینی‌ها و هندوها وجود دارد یا ندارد؟

۱. چون غیر از پیامبر اسلام و حضرت علی علیه السلام در معصومین کسی را نداریم که به مقام حکومت رسیده باشد

۲. این مبحث یک مطالعه فراقرآنی است که تکیه اصلی آن بر قرآن نیست

این چند سر فصلی بود که ذکر شد ولی تمام آن‌ها را شرح نمی‌دهیم بلکه به صورت گزینشی برخی از آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

شاخصه‌های مهدویت در قرآن

مهدویت از نگاه قرآن کریم چند رکن دارد. اولین رکن مهدویت از نگاه قرآن این است که شخص محور است؛ به این معنا که از نگاه قرآن یک انسان کامل و برگزیده‌ای^۳ باید ظهور کند. عصر مهدویت تکیه بر چنین شخصیتی و چنین انسانی دارد. مولفه و رکن دوم مهدویت از منظر قرآن کریم، تحولی است که در جامعه انسانی رخ می‌دهد. این تحول هم در افراد جامعه انسانی و هم در خود جامعه انسانی و مناسبات و ارتباطات جامعه رخ می‌دهد. از نگاه قرآن انسان‌ها در عصر مهدویت عقلشان و ایمانشان شکوفا می‌شود و یک ایمان عمیق جامعه بشری را فرا می‌گیرد و به دنبال آن مناسبات اجتماعی دگرگون شده و عدالت، مهربانی، ایثار، محبت و رحمت جای دورنگی‌ها، ظلم‌ها، تفرقه‌ها، کینه‌ها و حسدها را پر می‌کند. مولفه و رکن دیگر تحولی است که در جهان طبیعت رخ می‌دهد. در عصر مهدویت جهان طبیعت یک جهان شکوفا و بی‌آلایشی است. از نگاه قرآن جهان طبیعت دچار یک دگرگونی می‌شود که انگار یک نوع همراهی با خواسته‌های انسان دارد. در عصر مهدوی جهان طبیعت آن ناگواری‌ها، بیماری‌های لاعلاج، مرگ و میرهای غیر مترقبه، زلزله‌ها و سیل‌های ویران‌گر، قحطی‌ها و دیگر آفات اینچنینی مشاهده نمی‌شود. انگار جهان طبیعت به طور کامل در تسخیر انسان‌ها در می‌آید.

منجی در دیگر ادیان و مکاتب

می‌خواهیم یک مرور اجمالی در ادیان و مکاتب داشته باشیم و ببینیم چه نسبتی بین آموزه‌های مهدوی قرآن و آموزه‌های دیگر ادیان و مکاتب برقرار است تا بتوانیم در انتها به عنوان یک معیار از آن استفاده کنیم و در بررسی آیات به نتیجه مطلوبی برسیم. این بحث یک ثمره دیگری هم دارد و آن این است که شبهات متعددی که از ناحیه مخالفین تفکر شیعه مبنی بر وجود منجی و شبهاتی که از ناحیه گروهی از روشنفکران مطرح است که مسئله مهدویت یک حادثه خرافی و افسانه است و فقط توسط علمای شیعه به جهت اغراض سیاسی ساخته و پرداخته شده است، را پاسخ می‌دهد.

۳. که قرآن از آن تعبیر به امام یا امام حق می‌کند و یک انسان برگزیده است

اکنون می‌خواهیم مهدویت را در ادیان توحیدی و مکاتب بشری^۴ بررسی کنیم و ببینیم که آیا چنین باوری وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد چه مولفه‌ها و شاخصه‌هایی دارد؟

باور به اصل وجود منجی در ادیان غیر اسلامی

اولین موضوعی که بررسی می‌کنیم باور به اصل وجود منجی موعود و آمدن او است. در عهد عتیق کتاب مقدس آنچه که در مورد منجی موعود آمده است این است که سه منجی در جهان وجود دارد و به کمک انسان‌ها می‌رسد. اهل کتاب یک منجی را پیامبر بزرگوار اسلام می‌دانستند که به تعبیر قرآن کریم آن‌ها نخواستند به پیامبر اسلام ایمان بیاورند. منجی دوم را هم حضرت مسیح می‌دانستند که به او هم ایمان نیاوردند و منجی سوم را حضرت صاحب الزمان می‌دانند. یهودی‌ها معتقدند که در آخرالزمان منجی‌ای می‌آید که آن‌ها را نجات می‌دهد و به سعادت دنیوی و رفاهی که در انتظارش بودند می‌رساند. آن‌ها برای موعود از واژه عبری ماشیح که اصطلاح فارسی آن مسیح است استفاده می‌کنند. آن‌ها در ابتدا این اصطلاح را برای پادشاهی به کار می‌بردند که در آغاز سلطنتش با روغن مقدس خودش را متبرک می‌کرده است. اما به مرور زمان این اصطلاح منحصر شد در منجی آخرالزمان به عنوان یک منجی آرمانی و یک منجی‌ای که می‌آید و آن‌ها را نجات می‌دهد و دوران طلایی بنی اسرائیل با او آغاز می‌شود.

در زبور داوود و در کتاب‌های دیگری که در عهد عتیق است این مسئله به طور مشخص بیان شده است. مثلاً در زبور داوود در عهد عتیق مزمور ۳۷ بندهای ۳۸ و ۳۹ این عبارت است: متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد زیرا بازوهای شریان شکسته می‌شود و خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود صدیقان وارث زمین شده و ابداً در آن ساکن خواهند شد اما عاصیان و شریان عاقبت منقطع خواهند شد. در جزءهای دیگر عهد عتیق عبارتی شبیه به این وجود دارد مثلاً در بخش دیگری از عهد عتیق آمده است که اگرچه تأخیر کند اما برایش منتظر باشید زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد بلکه جمیع امت‌ها را در نزد خودش جمع می‌کند.

در مسیحیت هم باور به اصل وجود منجی و آمدن منجی وجود دارد. واژه منجی و تعبیر از منجی و موعود آخرالزمان ۸۰ مرتبه در انجیل به کار رفته است. در ۳۰ مرتبه از این ۸۰ بار مراد از موعود آخرالزمان حضرت

۴. منظورمان از ادیان توحیدی یهودیت، مسیحیت و زرتشت است و مکاتب بشری هم منظورمان مکاتب هندی و چینی است.

مسیح علیه السلام است. اما در ۵۰ مورد دیگر از عهد جدید که انجیل باشد سخن از موعود و منجی آخرالزمان است که وقتی او می آید مسیح هم به همراه او خواهد آمد؛ یعنی مسیح را دیگر منجی موعود نمی دانند بلکه کسی است که مسیح با او می آید. این مطالب در قسمتهای مختلف بحث شده مثلاً در انجیل متا باب ۲۴ دارد که: و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوچهای افلاک متزلزل گردند آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیمی فرود می آید. همچنین در انجیل لوقا هست که کمرهای خود را ببندید چراغهای خود را افروخته دارید خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار بیند پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید. همانطور که ملاحظه می فرمایید سخن از یک منجی موعود است و سخن از انتظار کشیدن است. این مطالب تایید اصل انتظار است که می گوید چنین منجی ای می آید و شما باید منتظر بمانید، بیدار باشید زمانی که می آید خواب نباشید، یعنی در مسیر آن منجی زندگی کنید و در مسیر اهداف او باشید.

در زرتشت هم باور به اصل موعود و منجی آخرالزمان وجود دارد آنها تعبیر سوشیانت را به کار می برند یعنی رهاننده. آنها معتقدند عمر جهان بشری ۱۲ هزار سال است و تاریخ بشر را به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می کنند. در دوره چهارم در هزاره اول انسان برگزیده ای می آید که گسترش دهنده پارسایی است و در هزاره دوم کسی می آید که گستراننده نماز است و در آخرین هزاره مظهر قانون مقدس می آید یعنی آن کسی می آید که عدالت را برقرار می کند و ظلم و پلیدی و فساد را از جامعه بشری دور می کند.

در آیین هندوها هم این مطلب وجود دارد. آنها تعبیرشان این است که آخرالزمان انسان برگزیده ای می آید که منشأ خیرات و مظهر کامل مهر و محبت الهی است. هندوها قائل به تثلیث هستند. برهما به معنای خدای خالق و آفریدگار کل، شیوا به معنای خدای مرگ و مهلک جهان و ویشنو خدای زندگی و حافظ کل که باید پرستش شوند. آنها معتقدند که ویشنو ده تجلی و مظهر دارد و آخرین مظهرش همان منجی موعود است و همان کسی است که می آید و بشریت را نجات می دهد.

در فرهنگ چینی ها هم همین تعبیرها وجود دارد و قائل به منجی موعود هستند.

ویژگی‌های منجی موعود در ادیان و مکاتب غیر اسلامی

در ادیان و مکاتب بشری ویژگی‌هایی برای منجی قائل هستند مثلاً در یهود داریم که موعود آخرالزمان سرور میکائیلی است، پادشاه مورد عنایت خداست، دین مداری عادل است، فرستاده از نسل داوود است، فرمانروای همه عالم می‌شود یعنی یک حکومت جهانی پیدا می‌کند، زاده بیت الحم است و اشراف زاده شهرنشین.

در مسیحیت هم چنین اوصافی برای موعود آخرالزمان آمده؛ بنده رنجکش، داور و پادشاه جهان است، نجات دهنده از ظلم و عادل است، تسلی دهنده و روح راستی و پسر خداست.

در دین زرتشت این تعبیر وجود دارد: واجد موهبت ایزدی است، فرمانروای جهان است، جهان را نو و تازه می‌کند، دارای قوای آسمانی است، دارای قوای فراطبیعی است، دارای نیروهای غیبی است، پاک دین است، پاک‌کننده جهان است، فروهر مقدس است، نیک کردار و نیک گفتار است، پیروزمند است، زورمند است، رهاننده است، نگاهدارنده جهان است و سود رسان به بشریت است.

این تعبیرها در آیین هندوها هم وجود دارد.

زمان ظهور منجی موعود در ادیان و مکاتب غیر اسلامی

مسئله بعد زمان ظهور منجی موعود است که در میان یهود چهار نظریه وجود ولی نظریه مشهورشان این است که زمان ظهور معلوم نیست و اصولاً ممنوع است که کسی در پی شناخت زمان ظهور این منجی آخرالزمان باشد.

در مسیحیت هم همین تعبیرها وجود دارد مثلاً در انجیل لوقا تاکید می‌کند زمان ظهور آن منجی نامعلوم است و در عبارتی در این انجیل آمده است که از عیسی علیه السلام پرسیدند ملکوت خدا در چه زمانی است فرمود ملکوت خدا غیر مترقبه و ناگهانی است و هیچ کس جز خدا آگاه نیست حتی ملائکه.

در دیگر ادیان مثل زرتشتیان نامعلوم بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن ظهور مطرح است.

جهان پیش از ظهور در ادیان و مکاتب غیر اسلامی

در این ادیان و مکاتب، جهان پیش از ظهور منجی را ترسیم کرده‌اند. به لحاظ فضای اجتماعی پیش از ظهور در فصل اشعیا در عهد عتیق آمده است: بی نظمی، ناپایداری، رنج و دردهای فراوان، جهان تیره و تاریک، مردمان سنگدل، دست‌ها و لبها به شرارت احدى را به عدالت دعوت نمی‌کند و جز شرارت و بدی نمی‌زاید.

به لحاظ نظام حکومتی اینچنین ترسیم می‌کند که هیچکس از حاکمان و مردم به راستی داوری نمی‌کند، ظلم حاکمان پایان ندارد و مردمان هم به ظلم بردبار شده‌اند.

به لحاظ وضعیت جهان طبیعت نیز این‌گونه تعبیر می‌کند: خرابی و نابودی زودرس در اثر بلاهای طبیعی، قحطی شدید، نعمتهای ناقص، زلزله‌های ناگهانی و مرگبار. یا در جایی دیگر تعبیر به ظهور دجال دارد که به عبری تعبیر به آرمیلوس می‌کنند. او یک موجود اسطوره است که از شیطان و از تندیس مرمرین زنی در رم زاییده شده است. اینها معتقدند که یک مساف جدی میان شیطان در آخرالزمان و موعود آخرالزمان رخ می‌دهد. شیطان دوباره باز می‌گردد و نیروهایش را برای نبرد نهایی بسیج می‌کند در آن روز ماتم عظیمی در اورشلیم رخ می‌دهد.

در مسیحیت هم این تعبیر است مثلاً در انجیل لوقا دارد که به دلیل گناهان فراوان جهان به تباهی کشیده می‌شود آشوب و ناامنی فراگیر می‌شود. در انجیل متی هست که خونریزی و هرج و مرج بیداد می‌کند و رجال ظالم بر مردم حاکم می‌شوند. در انجیل یوحنا وجود دارد که بیشتر مردم ریاکار، دروغگو، خیانتکار، حریص، متکبر و غیبت گو هستند و فریب شیطان را می‌خورند. نابودی زودرس در اثر بلاهای طبیعی و قحطی شدید، نعمتهای ناقص، زلزله‌های مرگبار رخ می‌دهد، مصیبتی ظاهر می‌شود که از آغاز عالم تاکنون دیده نشده است و همچنین سخن از دجال دارند.

در آیین زرتشت چنین تصویری شبیه این نکاتی که عرض کردیم از جهان پیش از ظهور ترسیم می‌کنند.

جهان پس از ظهور در ادیان و مکاتب غیر اسلامی

تعبیری که برای جهان پس از ظهور متون یهودیت داریم عبارت است از: آسایش همگانی، به اوج رسیدن نیروهای رشد و بالندگی جامعه، طبیعت تمام نعمتهای خود را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، نعمت زمین هزار برابر می‌شود و دنیا پر از طلا و نقره می‌گردد و خزائن آن را انتهایی نیست، همه جا آبادانی است، هیچ ویرانی و خرابی وجود ندارد و آسایش کامل حکم فرماست.

در اناجیل مسیحی‌ها این تعبیر وجود دارد: شهیدان زنده می‌شوند، مسیح بر جهان حکومت می‌کند، صلح و خیر و برکت در جهان حاکم می‌شود و تا قیامت ادامه دارد ولی عمر این مقطع کوتاه است، آمدن مسیح با قدسیان همراه است، دستان شیطان بسته می‌شود، قدسیان قدرت می‌یابند و پس از هزار سال شیطان آزاد می‌شود اما توان و سوسه کردن و گمراه کردن بشر را ندارد.

این نکاتی بود که در ادیان آسمانی و مکاتب بشری وجود دارد.

اشتراکات موضوع مهدویت در ادیان و مکاتب غیر اسلامی

اشتراکات مباحث مهدویت در بین ادیان و مکاتب غیر اسلامی در چند محور خلاصه می‌شود:

- اول اینکه تمام ادیان و مکاتب به اصل وجود و ظهور منجی موعود اذعان و به این باور دارند.
- دوم اینکه همانگونه که در عهد عتیق اشاره شده است، منجی موعود شخص محور است، یعنی منجی شخصی داریم نه نوعی. یک شخص خاص و برگزیده الهی، یک انسان کامل باید باشد و بیاید تا این تحولات در جامعه بشری و طبیعت را صورت بدهد. برخی‌ها البته معتقد به منجی نوعی هستند یعنی قائلند که این تحولات در آخرالزمان تکیه بر یک فرد خاص و یک انسان برگزیده ندارد؛ انگار خود مردمان هستند که می‌آیند و این تحولات را ایجاد می‌کنند، اما بیشتر آموزه‌هایی که عرض کردم و در این ادیان وجود دارد تکیه‌شان بر موعود و منجی شخصی است. آن منجی برگزیده و یک انسان ربانی است، یک انسان قدسی است.
- سوم اینکه خوش‌بینی به آینده تاریخ. در همه ادیان چنین باوری وجود دارد که تاریخ انسان با یک وضع و سامان دلپذیری به پایان می‌رسد؛ چه به لحاظ عقلانی و چه به ایمانی.
- چهارم اینکه آشوب در جهان طبیعت و نابسامانی طبیعت پیش از ظهور از مشترکات است. نعمت‌های طبیعت ناقص است و طبیعت در حال ضربه زدن به انسان است.
- پنجم اینکه تحولات عجیبی در عصر ظهور رخ می‌دهد، هم در طبیعت و هم در جامعه بشری. مثل اینکه طبیعت رام بشر می‌شود و به تسخیر کامل بشر در می‌آید.
- ششم اینکه پیوند تکوینی میان جامعه بشری و حرکات و سیر طبیعت است. پیش از ظهور که بی‌تقوایی، ظلم و فساد در جامعه بشری وجود دارد طبیعت هم نابسامان است؛ طبیعت هم زلزله‌های مرگبار دارد،

قحطی در عالم وجود دارد، نعمت‌های ناقص دارد، اما در عصر ظهور که بر جهان ایمان و تقوا و علم مفید و علم سازنده حاکم می‌شود، طبیعت هم همراه می‌شود و نعمت‌ها هزار برابر می‌گردد و آفتی از طبیعت متوجه بشر نمی‌شود.